

# بزه‌دیده‌شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام

تاریخ دریافت: ۸۵/۹/۱۹

تاریخ تأیید: ۸۵/۱۰/۱۰

سید محمود میر خلیلی\*

۶۵

فقه و حقوق / سال سوم / شماره ۱۱ / زمستان ۱۳۸۵

## چکیده

بزه‌دیده یکی از ارکان اصلی جریان کیفری و مجرمانه است. نگاه سیاست جنایی به بزه‌دیده نباید صرفاً به عنوان یک عنصر منفعل و پذیرنده بزه باشد، بلکه به عنوان کسی به او نگریسته می‌شود که خود در پدید آمدن جرم دارای نقش است. باید با تغییر بسیاری از شرایط و رفتارهای افراد در معرض بزه از بزه‌دیدی آنان جلوگیری نمود. امروزه دانش بزه‌دیده‌شناسی در صدد کشف علل و عوامل بروز این پدیده و راههای مقابله با آن است. علاوه بر فرهنگ‌سازی، از جمله تدابیر حمایتی جهت مبارزه با بزه‌دیدی، محافظت از آماجهای جرم و افراد در معرض بزه و آموزش آنهاست. سیاست جنایی اسلام در بسیاری از آموزه‌های خود اعم از احکام، عبادات و توصیه‌های صریح، به امر بزه‌دیده و ضرورت ایفای نقش او در امر مقابله با بزهکاری به جای انفعال او و پذیرش بزه تأکید دارد. در این مقاله ضمن اشاره اجمالی به برخی از عوامل بزه‌دیدی، روشهای مختلف پیشگیری از آن از نگاه سیاست جنایی اسلام بررسی شده است.

**واژگان کلیدی:** بزه‌دیده، سیاست جنایی اسلام، پیشگیری وضعی، بزه‌دیده‌شناسی.

\* دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران (M.mirkhalili@gmail.com).

از جمله موضوعاتی که به عنوان یک وضعیت ماقبل جنایی و مؤثر در ارتکاب جرم، توجه جرم‌شناسان را به خود معطوف داشته شخص بزه‌دیده یا قربانی جرم است. ناتوانی و ناکارآمدی شیوه‌های مختلف واکنش اجتماعی در امر مبارزه با بزهکاری، زمینه تحولات جدیدی را در اندیشه‌های حقوق کیفری و سیاست جنایی فراهم آورده که حاصل آن پیدایش جرم‌شناسی مبتنی بر بزه‌دیده‌شناسی در دهه‌های اخیر بوده است. معمولاً برای ارتکاب جرم، یک سلسله شرایط و امکانات را خود بزه‌دیده در اختیار بزهکار قرار می‌دهد. این روند فرصتهای ارتکاب جرم را فراهم می‌کند. در این صورت، بخشی از مطالعات می‌تواند پیرامون خطر بزه‌دیدگی در ارتباط با شیوه زندگی اشخاص صورت پذیرد. هدف نهایی مباحث راجع به بزه‌دیده‌شناسی و تجزیه و تحلیل نقش بزه‌دیده در فرایند مجرمانه و سایر مباحث مطرح شده، پیشگیری از بزه‌دیدگی و کاهش موارد آن است.

در این مقاله ضمن اشاره اجمالی به مباحث نظری بزه‌دیده‌شناختی، به بیان برخی راهبردهای حمایت از بزه‌دیدگان در مراحل مختلف وقوع بزه‌دیدگی و پیشگیری از این پدیده به ویژه از نگاه سیاست جنایی اسلام می‌پردازیم. موضوع بحث این است که رویکرد سیاست جنایی اسلام به موضوع بزه‌دیدگی چگونه است و چه راهکارهایی را برای حمایت از بزه‌دیده در نظر گرفته است. چگونه می‌توان با دیدگاه ویژه در مورد بزه‌دیده از وقوع جرائم پیشگیری نمود؟ آیا رفتارهای بزه‌دیده به عنوان یکی از عوامل پیدایش جرم و حمایت از او به عنوان قربانی جرم، به ویژه گروههای خاص که در معرض بزه‌دیدگی هستند، به طور کلی در این سیاست جنایی مورد توجه بوده‌اند یا خیر؟

سیر مطالب این نوشتار بدین‌گونه است که ابتدا از مفاهیم، مبانی و تاریخچه بحث (الف) و سپس از انواع بزه‌دیده (ب) بحث می‌کنیم. آن‌گاه به بررسی عوامل بزه‌دیدگی (ج) و حمایت از بزه‌دیدگان (د) می‌پردازیم. موضوع بررسی آموزه‌های دینی و اخلاقی در جهت کاهش بزه‌دیدگی (ه) بخش دیگری از بحث را تشکیل می‌دهد و در نهایت ضمن تبیین حمایت و مراقبت از بزه‌دیدگان خاص (و) به نتیجه‌گیری (ز) می‌پردازیم.

## الف. مفاهیم، مبانی و تاریخچه

قبل از آنکه وارد مباحث اصلی راجع به بزه‌دیدی و راهبردهای پیشگیری از آن شویم، باید به بیان برخی مفاهیم از جمله بزه‌دیده و بزه‌دیدی بپردازیم و مبانی، زمینه‌ها و تاریخچه پیدایش و گسترش این مفاهیم را بررسی کنیم.

### الف - ۱. مفاهیم

در متون فقهی معمولاً زیان‌دیده از جرم با عنوان مجنی‌علیه کسی که جرم و جنایت علیه او ارتکاب یافته تعبیر می‌شود. البته در انواع جرائم، زیان‌دیده از هر جرم با اصطلاح خاص خود بیان می‌شود؛ مثلاً مال‌باخته از جرم سرقت تحت عنوان مسروق‌منه، کسی که مورد زنا واقع شده گاهی مزنی بها\* و کسی که مورد ضرب و جرح واقع شده به مصدوم یا مجروح تعبیر می‌شوند. تعاریف مختلفی از واژه‌های «بزه‌دیده»، «بزه‌دیدی» و «بزه‌دیده‌شناسی» از سوی جرم‌شناسان و بنیانگذاران دانش بزه‌دیده‌شناسی به عمل آمده که در تبیین جایگاه و نقش آنها در سیاست جنایی دارای اهمیت فراوان است.

واژه بزه‌دیده که در حقوق کیفری با عناوینی چون مجنی‌علیه و یا شاکی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته، به شخصی گفته می‌شود که به دنبال وقوع یک جرم، آسیب و زیان یا آزار می‌بیند، خواه آن زیان یا آسیب، مالی، بدنی یا به شکل درد و رنج روحی و عاطفی باشد. تعریف بزه‌دیدی و بزه‌دیده به تعریف جرم و بزه بستگی دارد. معمولاً از بزه‌دیدی به «مورد سوء رفتار مجرمانه واقع شدن» تعبیر می‌شود. واژه بزه‌دیده، به قربانی بزه اشاره دارد. یعنی فردی که بزه‌کار یا عوامل جرم‌زا و شرایط اجتماعی او را مورد ظلم و ستم قرار داده است. در بعضی از تعاریف موجود این‌گونه آمده است:

بزه‌دیده فردی است که تمامیت شخصی وی به وسیله یک عامل خارجی که هم برای خود وی و هم برای جامعه مشخص است، مورد تعرض و آسیب واقع شده است (عباچی: ۵۱).  
به تعبیری ساده باید گفت بزه‌دیده کسی است که جرمی علیه او ارتکاب یافته باشد و تمامیت معنوی، جسمانی و یا مالی او آسیب دیده باشد.

---

\* البته با توجه به نقش طرفین در جرم زنا در مواردی نیز زانیه و زانی تعبیر شده است؛ لیکن تعبیر فوق در مواردی که تجاوز به عنف بوده یا شخص مورد تجاوز غیرمکلف باشد اصطلاحی رایج‌تر است.

امروزه در بررسی مفهوم بزه‌دیده و نقش او در بزه‌کاری، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که چرا برخی مردم در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند و آسیب می‌بینند، در حالی که دیگران این سرنوشت را ندارند. تعریف‌های جدیدی که از بزه‌دیده می‌شود ناظر به وضعیت و موقعیت بزه‌دیده و در مسیر پیشگیری وضعی به مفهوم تغییر این فرصتها و موقعیتها برای جلوگیری از بزه‌دیدگی است.

## الف - ۲. مبانی بزه‌دیده‌شناسی

جلوگیری از ظلم و ستم و ارتکاب رفتار مجرمانه علیه افراد ریشه در تاریخ بشریت دارد و دارای مبنای عقلی و ارزشی است. ارتکاب جرم علیه دیگران و ظلم به آنان از دیدگاه عقل امری قبیح و ناپسند است. ابعاد ارزشی مبنای ذکر شده به این امر اشاره دارد که دفاع و پاسداری از حقوق مظلومان و ستمدیدگان از جرم، جزء رسالت‌های حقوق جزا، بلکه از اهداف سیاست جنایی یک جامعه محسوب می‌شود. عزت عبدالفتاح در این باره می‌نویسد:

حمایت از قربانیان بزه‌کاری و کمک به آنان باید بخشی از ارزشهای اساسی جامعه محسوب شود. تعهدات جامعه به بزه‌دیدگان باید از نظر اعتقادی در اعماق نظام کلی آن جامعه ریشه بگستراند. از این رو ایجاد منابع قانونی که حقوق بزه‌دیدگان را تضمین نماید اهمیتی قابل توجه دارد. اگر بخواهیم اقدامات و سیاستهای مورد نظر، علاوه بر ملاحظات بشر دوستانه در مورد بزه‌دیدگان و وضعیت آنان، بر معیارهای دیگری نیز مبتنی باشد، پس لازم است پایه‌های حقوقی و اجتماعی تعهدات جامعه و نیز مسئولیت بزه‌کار نسبت به بزه‌دیده را تعیین کنیم (Abdel Fattah, 1991: 43).

در مکاتب الهی به ویژه در سیاست جنایی اسلام نیز حمایت از بزه‌دیدگان به عنوان یکی از ارزشهای والای دینی و الهی پذیرفته شده است و دشمنی با ظالم و متجاوز و یاری رساندن به اشخاص ضعیف و در معرض بزه‌دیدگی و ظلم، دارای ارزش و ضروری تلقی شده است. قرآن کریم ضمن نفی ظلم و ظلم پذیری بر این مبنا تأکید می‌کند:

«لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹).

امام علی علیه السلام در سخنی کوتاه به ضرورت مقابله با ظالم و یاری کردن بزه‌دیده توصیه می‌کند: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً؛ دشمن ظالم و یار ستمدیده باشید» (عبده، ۱۳۹۸: ۷۶). باید توجه داشت که بزه‌دیده را نباید صرفاً یک شخص منفعل و پذیرنده بزه تلقی نمود، بلکه این نکته نیز باید مد نظر باشد که رفتار، موقعیت و شرایط زندگی

بزه‌دیده، وی را در مقابل جرم آسیب‌پذیر کرده است. با این نگاه به بزه‌دیده و در مسیر کاستن از تأثیرگذاری او در تحقق جرم، ضرورت مطالعه بیشتر بزه‌دیده مشخص می‌گردد. حمایت از بزه‌دیده اعم از حمایت‌های مادی، معنوی، قانونی و قضایی موجب می‌شود تا وی با باز یافتن اقتدار خویش و جبران ضعفها و رهایی از انزوا و افسردگی اجتماعی و با کاستن از آسیبهای روحی، خطر انتقام‌جویی و ارتکاب جرم را تقلیل دهد؛ زیرا انتقامهای فردی غالباً ناشی از عدم اعتماد به محاکم کیفری و ضابطان قضایی و احتمالاً بدبینی و نومیدی در خصوص مراجعه به مراجع فوق است.

### الف - ۳. تاریخچه

مطالعه نقش بزه‌دیده در فرایند وقوع عمل مجرمانه که از نیمه قرن بیستم توسط جرم‌شناسان صورت علمی و سازمان یافته به خود گرفت، مسئله‌ای نیست که تاریخ حقوق کیفری با آن ناآشنا باشد. بزه‌دیده از همان بدو تولد حقوق کیفری در جوامع باستانی تا روزگارانی نزدیک به امروز، نقش عمده‌ای در دعاوی کیفری ایفا می‌کرده و در واقع خود به تنهایی بازیگر نیمی از این صحنه بوده است. از قانون هیتیها و حمورابی گرفته تا قوانین ایران، یونان و روم باستان و تمدنهای کهن و باستانی نظیر مصر و چین و از ادیان بزرگ الهی چون شریعت موسی ﷺ گرفته تا نوشته‌های کلیسا در قرون وسطی و دین مبین اسلام، همه و همه بر اهمیت نقش بزه‌دیدگان در دعاوی کیفری و لزوم جبران خسارت وارده به آنان تأکید داشته‌اند (آشوری، ۱۳۷۷: ۳۵).

سیاست جنایی اسلام علاوه بر توجه کیفری به بزه‌دیده در به جریان انداختن دعاوی علیه خود، حمایت‌های ویژه‌ای را در جهت مراقبت از او در نظر گرفته که از جهت بررسی سیر تاریخی توجه به بزه‌دیده نیز واجد اهمیت فراوان است. نظر به اینکه مباحث این تحقیق علاوه بر ارزش نظری و عملی، بیانگر سوابق و پیشینه این موضوع در سیاست جنایی اسلام از بیش از چهارده قرن قبل تاکنون است، لذا از بیان تفصیل مباحث و تکرار آنها در تاریخچه اجتناب می‌کنیم.

در غرب بسیاری از جرم‌شناسان از جمله عزت فتاح، فون هنتیگ را بنیانگذار بزه‌دیده‌شناسی نوین می‌دانند و کتاب وی را منشور بزه‌دیده‌شناسی به حساب می‌آورند.

لذا بزهدیده‌شناسی علمی تقریباً هفتاد سال پس از پیدایش جرم‌شناسی علمی متولد شد. جرم‌شناسان به تدریج دریافتند برای ارائه یک مطالعه کامل و همه جانبه از جرم، باید همزمان به بررسی مجرم و نیز مجنی‌علیه و نیز وضعیت قبل از ارتکاب جرم پردازند. لذا مطالعات جرم‌شناسی به سمت بزهدیده و شخصیت او روی آورد (Ibid: 45).

### ب. انواع بزهدیده

بزهدیدگان بر اساس ایفای نقش در وقوع جرم به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: گروه اول، بزهدیدگان کاملاً بی‌گناه مانند اطفال، مجانین و کسانی هستند که همه اقدامات احتیاطی لازم را به عمل آورده، ولی به طور کاملاً اتفاقی در معرض وقوع جرم قرار گرفته و بزهدیده شده‌اند. گروه دوم، بزهدیدگان مؤثر در بزهکاری یعنی بزهدیدگانی هستند که به نوعی در وقوع بزه مشارکت دارند، مانند بزهدیدگان نادان و کم اطلاع. البته میزان سهم و نقش بزهدیدگان در وقوع جرم یکسان نیست و از عدم مراقبت از خود و تحریک تا بزهکاری را که خود قربانی می‌شود در بر می‌گیرد.

بزهدیده بر اساس میزان آسیب‌پذیری نیز به انواع مختلفی تقسیم می‌شود. بزهدیدگان از جهت آسیب‌پذیری در مقابل جرم دارای شرایط متفاوتی هستند. بدیهی است که شرایط ارتکاب برخی جرائم علیه مردان و زنان یکسان نیست. همچنین بزهدیده شدن اطفال و بزرگسالان در شرایط کاملاً متفاوتی قرار دارد. افرادی که دارای ضعف قوای عقلانی هستند نیز بیشتر در معرض آسیب‌پذیری هستند.

کودکان از نظر ویژگیهای بدنی، روانی و شخصیتی با بزرگسالان متفاوت هستند. از جهت حقوقی نیز کودکان بر خلاف بزرگسالان فاقد مسئولیت کیفری بوده و در مقابل عمل مجرمانه خود پاسخگو نیستند. در بسیاری از رشته‌های علوم جنایی مانند جرم‌شناسی و حقوق کیفری، گرایش کودکان و نوجوانان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است.

گروه دیگری از بزهدیدگان را تحت عنوان «بزهدیدگان دستگاه عدالت کیفری» می‌توان مورد بررسی قرار داد. در بسیاری از موارد، افراد به جای آنکه قربانی جرائم بزهکاران شوند، زیان‌دیده از عملکرد دستگاه قضایی واقع می‌شوند و به عنوان قربانی دستگاه عدالت کیفری مطرح می‌گردند. متهمان و محکومان بی‌گناه جزء این دسته هستند که به دلیل اتهامات کیفری توقیف یا محکوم شده‌اند و با وجود بی‌گناهی، کیفرخواست یا

رای دادگاه بر مجرمیت آنها صادر شده است. دلیل مهم چنین مواردی ناشی از تحقیقات و بازداشت‌های نادرست و سایر موارد مربوط به نقض حقوق متهمان بوده است.

نظام حقوقی اسلام به جبران خسارات زیان‌دیده توجه کافی داشته و با قواعد فقهی «لاضرر» و «تسبیب» جبران هرگونه خسارتی را امکان‌پذیر ساخته است؛ هر چند که عامل ورود خسارت، مقصر نباشد. به همین دلیل حتی در جرائم علیه تمامیت جسمانی از نوع خطای محض که برای مسبب هیچ‌گونه تقصیری نمی‌توان قائل شد، جبران ضرر و زیان را با عنوان دیه در نظر گرفته است.

### ج. عوامل بزه‌دیدگی

بزه‌دیدگی نیز مانند بزهکاری علل و عوامل مختلفی دارد که بسیاری از آنها مشترک هستند. اگر چه اصلی‌ترین علت بزهکاری، وجود علل و عوامل جرم‌زا و حضور افراد دارای انگیزه قوی بزهکاری در جامعه است، لیکن ما در اینجا بیشتر به عواملی می‌پردازیم که رویکرد بزه‌دیده محور دارند. به برخی از این عوامل از نگاه بزه‌دیده‌شناختی اشاره می‌کنیم.

#### ج - ۱. مشارکت بزه‌دیده در بزهکاری

در موارد زیادی بزه‌دیده، کم و بیش حتی در عنصر مادی جرم یا تسهیل آن مشارکت دارد که می‌توان به نمونه‌هایی از آن اشاره نمود. البته این مشارکت گاهی آگاهانه و گاهی ناشی از غفلت یا ضعف قوای جسمی و دماغی است. انواع رفتارهای جنسی مبتنی بر رضایت طرفین که از سوی قانون، قابل مجازات شناخته شده، از این قبیل است. نمونه این امر کودکانی هستند که به ارتکاب جرم علیه خود رضایت می‌دهند، ولی رضایت آنان توجیه‌کننده جرم ارتكابی توسط مجرم نیست. مثلاً یک کودک زیر سن رشد به قصد ازدواج یا زندگی با نامزد خود به فرار از خانه پدری تمایل نشان می‌دهد، سپس با تبانی، برنامه‌ریزی و مشارکت کامل در ربوده شدن خویش مشارکت می‌کند. در مواردی نیز بزه‌دیده با حرکات و رفتار خود گاهی به غلط و از روی غفلت یا حتی آگاهانه اقدام می‌کند که فرصت ارتکاب جرم را برای مرتکب فراهم می‌سازد.

شخصی که ابزار ارتکاب جرم را در اختیار مهاجم گذاشته یا او را تحریک کند، نمونه‌ای از تسهیل ارتکاب جرم و بزه‌دیدگی خود را به نمایش گذاشته است. شخصی که

به هر انگیزه در اتخاذ تدابیر احتیاطی لازم برای مقابله با جرم کوتاهی می‌کند و در مورد وقوع جرم بی‌اعتنا و نظاره‌گر می‌ماند، می‌توان گفت وقوع آن جرم را تسهیل نموده و شرایطی را فراهم آورده تا جرم مزبور اتفاق بیفتد.

## ج - ۲. عدم محافظت از آماجها

بزه‌دیدگانی که خود یا اموالشان در معرض وقوع جرم هستند، باید نسبت به اتخاذ تدابیر مناسب جهت مراقبت و حفاظت لازم، اقدام نمایند. در معرض بودن آماجهای جرم، یکی از عواملی است که علاوه بر تحریک فرد به ارتکاب بزه و کاهش خطرات آن و ایجاد انگیزه برای مجرمان، موجب می‌شود آنان بدون هیچ گونه مانعی اهداف مجرمانه خود را عملی سازند. حفاظت از آماجها موجب کاهش دستاوردهای مورد انتظار از جرم می‌شود و ارتکاب عمل مجرمانه را دشوار یا ناممکن می‌سازد. در کلام فقها، حکما و بزرگان دین نیز به ضرورت احتیاط در حفظ اموال و جلوگیری از وقوع جرائم علیه آنها تأکید شده است که نمونه آن این جمله معروف است: «أَسْتُرْ ذَهَبَكَ وَ ذَهَابَكَ وَ مَذَهَبَكَ؛ مال ارزشمند، آمد و رفت و مذهب و اعتقادات خود را با مستور داشتن حفظ کن» (فیض کاشانی، ۱۴۰۱: ۲۳۰).

در سیاست جنایی اسلام ابتدا انسان مکلف به حفظ نفس و حفظ اموال خود شده، به نحوی که حتی در سیاست کیفری اگر فرد اموال خود را در حرز مناسب قرار ندهد و مورد سرقت قرار گیرد، به دلیل این کوتاهی حمایت کیفری از او کاهش می‌یابد و با وجود تمامی شرایط، سرقت مستوجب حد به سرقت تعزیری تنزل پیدا می‌کند.

برای جلوگیری از جرائمی چون خیانت در امانت و کلاهبرداری که نوعاً بر اساس اعتماد بزه‌دیده به بزه‌کار ارتکاب می‌یابد، دقت در گزینش فردی که به او اعتماد می‌شود و عدم اعتماد بی‌مورد در سیاست جنایی اسلام مورد تأکید فراوان است. در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَوَاتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ؛ اموال خود را در اختیار سفیهان قرار ندهید» (نساء: ۵).

امام صادق علیه السلام این آیه شریفه را در بیان یک راهکار پیشگیرانه به کار گرفته‌اند. زمانی که اسماعیل، فرزند ایشان، تصمیم داشت اموال خود را جهت تجارت به مردی از قریش بسپارد، امام علیه السلام او را منع کرد و فرمود چون این شخص شارب خمر است نباید به او اعتماد کنی و اموال را به او بسپاری. اما اسماعیل توجهی ننمود و اموال خود را به آن مرد سپرد.



پس از آنکه اموال وی توسط آن شخص از بین رفت امام علیه السلام فرمودند:

فرزندم به شرابخوار اعتماد نکن، زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: اموال خود را به سفیهان و بی‌خردان ندهید. کدام سفیه، سفیه‌تر از شرابخوار است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به شرابخوار اعتماد کند، در حالی که بر این امر واقف است، هیچ ضمانت و اجر و پشتوانه‌ای از طرف خداوند برای او وجود ندارد (کلینی، ۱۳۶۷: ۳۰۰).

### ج - ۳. وجود فرصت و موقعیت

وجود فرصتها، موقعیتها و مناسبتهای ارتکاب جرم همواره یکی از عوامل مهم در بروز بزهکاری بوده و افراد دارای انگیزه را به ارتکاب عمل مجرمانه ترغیب می‌کند و حتی در مواردی این انگیزه را ایجاد می‌کند. تلقی یک عامل مؤثر و قاطع از فرصتهای بزهکاری، جامعه را و او می‌دارد تا یکی از مهم‌ترین راههای پیشگیری از جرم را اقدام علیه فرصتهای جرم به منظور حذف یا لاقط کاهش آنها بداند.

البته اثر فرصتها و موقعیتها همیشه آنقدر تعیین کننده و قطعی نیست که شخص مجرم آن‌گونه که گاهی در برخی مکاتب جرم‌شناسی تصور شده به عنوان یک عامل ثابت و بدون تأثیر قلمداد شود. فرصتها و مناسبتهای جرم به عنوان متغیرهایی هستند که اگر غلبه داشته باشند و منافع جرم بر خطرات آن رجحان یابد، غنیمت شمرده می‌شوند و غالباً جرم ارتکاب می‌یابد، و به عکس هر چقدر کاهش یابد و خطرات جرم بر منافع آن رجحان و برتری یابد، احتمال وقوع جرم نیز کاهش می‌یابد. در این میان، میزان انگیزه و اراده افراد در معرض بزهکاری و نحوه برخورد افراد در معرض بزه‌دیدگی نیز حائز اهمیت فراوان است. موقعیتهای مستعد ارتکاب جرم خطر بروز بزه‌دیدگی را نیز افزایش می‌دهد. برای مثال وجود خیابانهای تاریک و با نور کم، خطر کیف‌قاپی و سرقتهای خیابانی را افزایش می‌دهد؛ زیرا امکان شناسایی و دستگیری مجرم در چنین شرایطی کاهش می‌یابد. وجود خرابه‌ها و مکانهای متروکه، حاشیه‌نشینی و سایر عوامل وضعیتی که ارتباطی به رفتار یا عملکرد بزهکار یا بزه‌دیده ندارد، به خودی خود از عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی اشخاص می‌باشد.

### ج - ۴. ضعیف بودن بزه‌دیده

ضعیف بودن از بُعد جسمی، ذهنی، مالی و غیره از موجبات بزه‌دیدگی است. شخصی که انگیزه بزهکاری مانند ضرب، جرح، سرقت یا قتل و یا امثال این‌گونه جرائم را دارد، اگر

طرف مقابل خود را از نظر قدرت بدنی قوی‌تر از خود بداند، ممکن است با خویشتن‌داری از ارتکاب جرم صرف نظر نماید. اما اگر وی ضعیف‌تر از مهاجم باشد، در ایجاد درگیری و ایراد ضرب و جرح تردیدی به خود راه نمی‌دهد. فردی که از نظر ذهنی ضعیف است نیز بیشتر در معرض جرائم مالی مانند کلاهبرداری قرار می‌گیرد.

در خشونت علیه زنان توسط همسران که دامنه آن بسیار گسترده است، علاوه بر سایر علل و عوامل، می‌توان به ضعف جسمی زنان در مقابل مردان اشاره نمود که یکی از علت‌های بزه‌دیدگی زنان محسوب می‌شود. راه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی افراد ضعیف در مبحث دوم از همین فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اعتیاد همانند سایر آسیب‌های اجتماعی و روانی علاوه بر آنکه موجب بزه‌دیدگی می‌شود، خود نوعی بزه‌دیدگی است. اولین ضربه اعتیاد بر پیکره خانواده و به ویژه فرزندان وارد می‌شود. نوجوانان معتاد، بزه‌دیدگان و قربانیان اعتیاد هستند. آمار و اطلاعات دفتر کنترل مواد مخدر نشان می‌دهد که در سراسر جهان سن ابتلا به سوء مصرف مواد مخدر کاهش یافته و اعتیاد و سوء مصرف در بین نوجوانان در حال افزایش است، به نحوی که این امر به عنوان سومین بحران جهانی قلمداد می‌شود (یارمحمدیان، ۱۳۸۲: ۴۹۳).

#### د. حمایت از بزه‌دیدگان

از طرف جامعه یا افراد در معرض بزه باید اقداماتی برای حمایت و حفاظت از خود صورت گیرد تا از خطر بزه‌دیدگی جلوگیری شود. بر اساس این نگرش، اگر افراد جامعه در جهت ایمن‌سازی خود تلاش نکنند با در معرض قرار دادن خود، ارتکاب جرم را تسهیل می‌نمایند و با تخلفات و بی‌مبالاتی‌های خود نقش مهمی در ایجاد پدیده مجرمانه ایفا می‌کنند.

دولتها موظف‌اند علاوه بر حمایت از بزه‌دیدگان تدابیر لازم را برای پیشگیری از بزه‌دیدگی آنان معمول دارند و اقدامات تقنینی و اجرایی خود را در جلوگیری از فراهم شدن زمینه‌های بزه‌دیدگی به کار گیرند. آموزش و آگاهی دادن به بزه‌دیدگان و مجوز قانونی دفاع مشروع، نمونه‌هایی از حمایت تقنینی از بزه‌دیدگان است. به مواردی از این‌گونه حمایتها و ضرورت آنها اشاره می‌کنیم.

## د - ۱. اطلاع‌رسانی به موقع و آموزش بزه‌دیدگان

آگاهی و دانش موجب رفع بسیاری از معضلات و مشکلات زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌شود و اغلب معضلات اجتماعی به ویژه معضل بزهکاری و بزه‌دیدگی ناشی از جهل، نادانی و بی‌توجهی و غفلت است. آنچه در اینجا مورد بحث خواهد بود، تأثیر آگاهی و دانش بر بزه‌دیدگی و حفظ و سلامت قربانیان جرائم در مقابل بزهکاری است. در سیاست جنایی اسلام، آیات و روایات بسیاری در مورد فضیلت علم، دانش و آگاهی مطرح شده که برخی از آنها به تأثیر آگاهی در حفاظت و حراست از انسان و جلوگیری از بزه‌دیدگی نیز اشاره دارد، زیرا جهل و نادانی ریشه همه مشکلات، انحرافات و معضلات اجتماعی است و با از بین بردن آن، بخش اعظم مشکلات مرتفع خواهد شد.\*

اقدام به آگاه نمودن مردم در مورد جرائم و شیوه‌های اتخاذی مجرمان و توصیه‌ها و آموزشهای لازم برای گروههای خاص بزه‌دیده در این روش مد نظر است. از نظر فردی نیز فقها در کتب خود به این موضوع پرداخته‌اند که در صورت در معرض خطر بودن فرد یا افرادی به دلیل وجود شرایط جرم‌زا، بر سایر افراد که از موضوع مطلع هستند، واجب است علاوه بر باز داشتن فرد در شرف بزهکاری از ارتکاب، مجنی علیه بالقوه را نیز از موضوع آگاه سازند (خویی، ۱۴۱۳: ۳۳۵).

## د - ۲. مجوز دفاع مشروع

زمانی که فرد، در معرض بزه‌دیدگی واقع می‌شود و دست جامعه نیز در حمایت از او کوتاه است، نمی‌توان او را از حق طبیعی دفاع محروم نمود و انتظار داشت بزه را تحمل کند و سپس وی یا اولیای او پس از مرگش در مراجع قانونی طرح دعوی کنند. در سیاست جنایی اسلام، دفاع مشروع نه تنها حق مسلم فرد مورد تجاوز شناخته شده و مورد تقنین واقع شده، بلکه سایر افراد نیز حق دفاع مشروع از فرد در معرض بزه را دارند. امام صادق علیه السلام در مورد سارق مسلح می‌فرماید:

إذا قدرت علی اللص فابدره و أنا شریک فی دمه؛ زمانی که بر سارق مسلح توانایی داشتی، او را از بین ببر و من در خون او با تو شریک هستم (حر عاملی، ۱۴۱۲، ۲۹: ۲۲۹).

جمله اخیر کنایه از این است که هیچ‌گونه مسئولیت کیفری و مدنی وجود ندارد و شخص مورد تهاجم مجوز قانونی دارد حتی با از بین بردن سارق مسلح خود را از تهاجم او مصون دارد. در روایت دیگری نیز در مورد مجنون از امام صادق علیه السلام سؤال می‌شود: اگر دیوانه با سلاح به کسی حمله کرد و توسط شخص مورد تجاوز کشته شد چه حکمی جاری است؟ حضرت می‌فرماید: قاتل از قصاص و دیه معاف است، ولی خون او هدر نیست، چون مسئولیت کیفری ندارد و دیه‌اش از بیت‌المال پرداخت می‌شود. محقق حلی در کتاب شرایع می‌گوید:

هیچ خلاف و اشکالی نیست در اینکه انسان می‌تواند محارب یا دزد یا غیر آنها را از جان خود و ناموس خود و مال خود تا آنجا که قدرت دارد دفع کند. اجماع تمام علما و روایات خاص بر این دفاع دلالت دارد (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۹۰).

شهید ثانی نیز در شرح لمعه آورده است:

باید در دفاع از جان و ناموس و مال به آسان‌ترین روشها تکیه کرد و به تدریج روشهای سخت و سخت‌تر را در پیش گرفت. مثلاً نخست باید بر سر حمله‌کننده فریاد کشید، سپس به تهدید و مخاصمه پرداخت و آن‌گاه به زدن سپس مجروح کردن دست زد و اگر باز جلوی هجوم او گرفته نشود باید به گونه‌ای قصد جنایت او را بی اثر کرد و در آخرین مرحله می‌توان به کشتن او اقدام کرد (جبعی عاملی، ۱۴۰۳: ۷۵).

در خصوص ادله اثبات دعوی نیز باید تا آنجا که زمینه سوء استفاده را فراهم نسازد تمهیداتی در نظر گرفت. اگر کسی دیگری را در منزل خود بکشد و ادعا کند که مقتول قصد جان یا مال او را داشته است، در صورتی که ورثه مقتول منکر این امر باشند، اما او بینه اقامه کند که وارد شونده (مقتول) دارای شمشیر کشیده بوده و به سمت صاحب منزل آمده، همین امر قرینه معتبری است برای ادعای قاتل و دیه و قصاص را ساقط می‌کند (کلینی، ۱۳۶۷: ۵۳۷).

### د - ۳. مقایسه نقش قوانین بیمه اجباری و دیه عاقله در کاهش بزه‌دگی

اگرچه نتیجه اجباری کردن بیمه، رفع خسارت از بزه‌دیده پس از ارتکاب جرم است، اما از آنجا که این‌گونه اقدامات اولاً قبل از ارتکاب جرم ایجاد می‌شود، ثانیاً موجب بسیاری از اقدامات بازدارنده و پیشگیرانه به ویژه از سوی شرکتهای بیمه می‌شود، لذا مربوط به

تدابیر قبل از وقوع جرم است. فراهم آوردن بیمه، امکانات مؤثری را ایجاد می‌کند که از طریق آن می‌توان انگیزه‌های مالی را برای تشویق اتخاذ تدابیر پیشگیری از جرم ارائه نمود. شرکتهای بیمه با تأکید بر نصب ابزار و وسایل امنیتی به عنوان شرط فراهم آوردن پوشش بیمه، می‌توانند میزان پذیرش تدابیر امنیتی را افزایش دهند. اگر چه باید دقت نمود که هزینه‌های اضافی مربوط، به مانعی برای خریداران بالقوه خدمات بیمه تبدیل نشود.

در مناطق فقیرتر، گرایش به تحمل جرائم، بیشتر است و در نتیجه در برابر آثار ناشی از مقابله با جرم، هم به اقدامات امنیتی و هم به بیمه نیاز بیشتری وجود دارد. از آنجا که حق بیمه در چنین مناطقی بسیار زیاد است، شاید ضروری باشد که تخفیفهایی در اختیار افراد فقیر قرارگیرد یا برای آنهایی که اقدام به نصب وسایل امنیتی می‌کنند، تخفیف و تشویق در نظر گرفته شود. شرکتهای بیمه که مسئولیت جبران خسارت ناشی از خطای بیمه‌گذاران را به عهده دارند، در تلاش هستند تا خطای آنان را به حداقل ممکن برسانند و از متضرر شدن خود جلوگیری نمایند. مناسب است این شرکتها در طرحهای منطقی و پیشگیرانه مشارکت نمایند و با کمک در اطلاع رسانی و آگاه‌سازی و فرهنگ‌سازی جهت پیشگیری از تخلفات و بزه‌دیدگیها از هزینه‌های خویش بکاهند.

«دیه» نیز تنها نقش جبران کننده در برابر خسارت موجود را ندارد، بلکه باید نسبت به موارد مشابه، نقش بازدارنده نیز داشته باشد. مسلم است هنگامی که بستگان نزدیک انسان از این حکم اسلامی باخبر باشند که هر کدام باید سهمی از دیه خطای نزدیکان خود را بر عهده بگیرند، سعی می‌کنند یکدیگر را به احتیاط هر چه بیشتر در مسائل حادثه آفرین دعوت کنند تا نه خسارتی پیش آید و نه آنها مجبور باشند دیه بپردازند.

ممکن است ایراد شود مسئله تعلق دیه بر عاقله مربوط به خطای محض است و پرداختن دیه، از ناحیه خود جانی باشد یا بستگان او، نمی‌تواند نقشی در این زمینه داشته باشد، چون عمدی در کار نبوده است. ولی با توجه به این نکته، پاسخ این ایراد روشن می‌شود و آن پاسخ این است که خطاهایی که از انسان سر می‌زند، هر چند از اختیار او بیرون است، ولی اگر در مقدمات آن احتیاط بیشتری مبذول گردد، مسلماً درصد خطاها پایین می‌آید. بنابراین خطاها در عین خطا بودن، تا حدودی مقدمات اختیاری دارند (احمدی، ۱۳۸۱: ۴۳).

مسئولیت کارفرما در مورد بی احتیاطی کارکنان خود نیز به همین منظور پیش بینی شده است. وقتی کارفرما بداند هر گونه تخلف غیر عمدی که در کارگاه او رخ دهد ممکن است منجر به مسئولیت کیفری یا مدنی او شود، نهایت احتیاط و دقت را به عمل می آورد تا از وقوع حوادث و جرائم غیر عمدی جلوگیری کند.

#### د - ۴. از بین بردن موقعیتهای بزه‌دیدگی

یکی از اهداف اصلی و مهم پیشگیری وضعی به هم زدن موقعیت مساعد و مناسب بزه‌دیدگی و جلوگیری از وقوع بزه‌دیدگی از این طریق است. باید وضعیت و شرایط مناسب را آن گونه رقم زد و طراحی نمود که فرد در شرف بزهکاری، فرصت ارتکاب جرم را به دست نیاورد و در نتیجه بزه‌دیدگی تحقق نیابد. فرصت و موقعیتهای بزه‌دیدگی موارد زیادی را شامل می شود که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. محافظت و مراقبت از آماجها به نحوی که دسترس یا تعدی بزهکاران به آنها ناممکن یا دشوار گردد.
۲. به هم زدن و از بین بردن شرایط محیطی مستعد و مناسب ارتکاب جرم. برای مثال می توان به روشن نمودن کوچه‌های تاریک و تسطیح مخروبه‌ها اشاره نمود.
۳. حضور پلیس در مکانهایی که خطر بزه‌دیدگی بالایی وجود دارد.
۴. نظارت و مراقبت والدین و کنترل فرزندان توسط آنان جهت پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی.
۵. نظارت الکترونیکی و ویدئویی در مکانهای پرخطر به نحوی که خطر شناسایی و دستگیری مجرمان را افزایش داده و در نتیجه خطر بزه‌دیدگی را کاهش دهد.
۶. الزام بزه‌دیدگان و بزهکاران بالقوه به رعایت برخی مقررات ایمنی و حفاظتی که رعایت آنها موجب کاهش خطر بزه‌دیدگی می شود، مانند اجباری نمودن استفاده از کلاه ایمنی و کمربند ایمنی.
۷. از بین بردن جاذبه‌هایی که موجب جلب بزهکاران به سمت بزه‌دیدگان می شود، مانند الزام به رعایت حجاب در سیاست جنایی اسلام.

#### هـ برخی آموزه‌های دینی و اخلاقی در جهت کاهش بزه‌دیدگی

در متون اسلامی، آیات قرآن، روایات و ابواب مختلف فقهی اعم از معاملات، ارث، وصیت و غیره نیز به احکامی برخورد می کنیم که با هدف محافظت از بزه‌دیدگان یا به

منظور حفاظت از اموال ایشان تشریح گردیده است. به چند نمونه از احکام و دستورهای اسلامی که نتیجه آن کاهش بزه‌دیدی افراد است اشاره می‌کنیم.

### ه - ۱. ایجاد فرهنگ ظلم‌ستیزی و ستم‌ناپذیری در جامعه

یکی از عواملی که وقوع جرم را تسهیل می‌نماید و بزهکاران را در انتخاب قربانیان خود ترغیب می‌کند، ظلم‌پذیری و عدم مقاومت بزه‌دیدگان است. رفتار بسیاری از بزه‌دیدگان در جرائمی چون کلاهبرداری، ایراد ضرب و جرح، اخاذی و امثال آن محرک و مشوق بزهکاران است. قرآن کریم پس از مذمت و تقبیح شدید جرائم ربا دادن و ربا گرفتن تأکید می‌کند ستمگری و ستم‌پذیری هیچ کدام مورد قبول نیست «... لا تظلمون و لا تُظلمون» (بقره: ۲۷۹).

بسیاری از مجرمان به دلیل اینکه زمینه ارتکاب جرم را مساعد دیده و بزه‌دیده بالقوه را فاقد هر گونه انگیزه و قدرت دفاعی می‌بینند، انگیزه ارتکاب جرم در آنان تقویت می‌شود و دست به ارتکاب جرم می‌زنند. به همین دلیل در سیاست جنایی اسلام، علاوه بر وجوب نهی از منکر و بر حذر داشتن مجرم از ارتکاب عمل مجرمانه، جلوگیری از ستم و تعدی و یاری دادن فرد در معرض بزه‌دیدی نیز مورد تأکید است. در روایات بسیاری حفاظت از جان و مال و ناموس دیگران مورد تأکید واقع شده و از وظایف یک انسان در جامعه اسلامی شمرده شده است. در سخنی از امام سجاد علیه السلام آمده است:

و اما حق جارک فحفظه غائباً و اکرامه شاهداً و نصرته اذا كان مظلوماً؛ حق همسایه‌ات این است که در غیاب وی، او را حفظ کنی و هنگام حضورش او را محترم شماری و هنگام ستم دیدن او را یاری کنی (صدوق، ۱۴۰۴: ۶۲۳).

خداوند متعال صراحتاً در قرآن کریم این موضوع را مطرح فرموده است:

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و كان الله سمیعاً علیماً؛ خداوند فریاد آشکار و بلند را دوست ندارد مگر آنکه کسی مورد ظلم و ستم قرار گرفته باشد و خداوند شنوا و داناست (نساء: ۱۴۸).

در تفسیر این آیه آمده است مقصود از «جهر بالسوء»، فریاد زدن علیه ظالم و ذکر بدیها و ستمهای اوست. همچنین پاسخگویی به گفتار و رفتار نامناسب ستمکار نیز معنای این آیه عنوان شده است (طبرسی، ۱۳۶۷: ۲۹۸).

## ه - ۲. ترویج فرهنگ صبر، حلم و مدارا

تحریک بزهکار توسط بزه‌دیده یکی از عوامل مؤثر در بروز بزهکاری است. بزهکاران بالقوه، به ویژه آن دسته که دارای عقده‌های روانی و مشکلات روحی و عصبی هستند، با کمترین فشار روانی برانگیخته می‌شوند و دست به ارتکاب بزه می‌زنند. بنابراین کمترین برخورد تحریک‌آمیز از طرف مخاطبین این‌گونه افراد، موجب ایجاد زمینه ارتکاب جرم می‌گردد و باعث می‌شود بزهکار نسبت به ارتکاب جرم تحریک شود و مقاصد مجرمانه خود را عملی سازد. خویشن‌داری و تحمل افراد نیز موجب از بین رفتن زمینه ارتکاب خواهد بود.

در متون اسلامی این نوع بازدارندگی و رفع زمینه بزهکاری در قالب توصیه به صبر و بردباری مطرح گردیده است. قرآن کریم پس از بیان ضرورت برخورد با مجرمان و وعده عذاب دردناک، صبر و بخشش از جانب زیان‌دیده از جرم را کاری ارزشمند می‌شمرد: «و لمن صبر و غفر إن ذلک لمن عزم الامور؛ و اما کسانی که شکیبایی و عفو کنند، این از کارهای پر ارزش است» (شوری: ۴۳).

البته این روش برای پیشگیری از تشدید یا تبدیل بزهکاری از نوع خفیف مانند توهین و فحاشی به نوع شدید مانند ایراد ضرب و جرح یا ارتکاب قتل است. در سخنان معصومان علیهم‌السلام نتیجه صبر و حلم در مقابل افراد جاهل و گستاخ، دفع جهالت و شر آنان بیان شده و مورد تأکید قرار گرفته است. در سخنی از رسول خدا حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: کسی که چهار خصلت داشته باشد خیر دنیا و آخرت به او داده شده است ... یکی از آن موارد حلم و بردباری است تا به وسیله آن جهل جاهل را از خود دور کند (نوری، ۱۴: ۱۸۰۸). در سخن دیگری از امام صادق علیه‌السلام بر ضرورت خونسردی در مقابل رفتارهای این‌گونه افراد تأکید شده است: «کسانی که بیش از همه حلم و بردباری لازم است تا از بی‌خردی و سفاهت ایشان گذشت و چشم‌پوشی شود، سفیهان و بی‌خردان هستند» (کلینی، ۱۳۶۷، ۵: ۸ - ۹).

## ه - ۳. تقیه و توریه

تقیه عبارت از کتمان عقیده و حتی در مواردی تظاهر به هم‌عقیده بودن با دیگران است. شیخ انصاری در کتاب خود با عنوان تقیه، آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «دوری کردن از ضرر غیر از طریق موافقت با او در گفتار و کرداری که مخالف حق است» (انصاری، ۱۴۱۲: ۱).



این حکم به منظور حفظ افراد از بزه‌دیدگی تجویز و تشریح شده و حتی با تأکید، حکم به وجوب آن داده شده است. فقها با بررسی تقیه در آثار خود و حکم به وجوب آن، به این نکته اشاره می‌کنند که هدف اصلی و نهایی از تشریح تقیه در شریعت مقدس اسلام، حفظ اموال، اعراض و نفوس مؤمنان و سایر شئون آنان است (خویی، ۱۳۷۰: ۴۵۳).

تقیه از نظر حکم بر دو قسم است: واجب و مستحب. تقیه واجب در مواردی است که برای دفع خوف بر نفس یا عرض یا ضرر بر خود یا دیگری لازم گردد و دائرمدار چیزی است که حفظ آن شرعاً و عقلاً واجب می‌باشد (کاشف‌الغطاء: ۶۱).

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: «تقیه جزئی از دین من و آبا و اجداد من است.» روایات بسیاری نیز بر حفظ دماء و پیشگیری از بزه‌دیدگی تأکید دارند (حر عاملی، همان، ۱۶: ۲۱۰). محدوده تقیه تا آنجاست که موجب ضرر و زیان مهم‌تر یا ریختن خون انسان بی‌گناهی نشود، زیرا تشریح تقیه به منظور حفظ دماء و جلوگیری از بزه‌دیدگی است و نباید به سایر افراد بی‌گناه ایراد ضرر و صدمه‌ای نماید. لذا ارتکاب قتل یا ایراد صدمه بدنی شدید به دیگران به منظور تقیه مجاز نیست: «أما جعلت التقية ليحققن بها الدّم فإذا بلغت التقية الدم فلا تقية» (خویی، همان: ۴۵۳).

توریه نیز نوعی حرف زدن است که به تعبیری در آن نه دروغ گفته می‌شود و نه راست؛ این روش نوعی پنهانکاری است که به منظور خلاص شدن از دروغ به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر توریه آن است که دروغ را به گونه‌ای ادا کند که قابل انطباق بر راست هم باشد. کسی که قسم می‌خورد، اگر برای اینکه خودش یا مسلمان دیگری را از شر ظالمی نجات دهد قسم دروغ بخورد اشکالی ندارد، (بلکه گاهی واجب می‌شود. ولی اگر بتواند توریه کند (یعنی موقع قسم طوری نیت کند که دروغ نشود) بهتر این است که توریه نماید. مثلاً اگر ظالمی بخواهد کسی را اذیت کند و از انسان پرسد: تو او را دیده‌ای؟ و انسان یک ساعت قبل او را دیده باشد، بگوید: او را ندیده‌ام و قصد کند که از پنج دقیقه قبل او را ندیده است (خویی، ۱۴۱۲: ۴۸۶).

#### ه - ۴. توصیه به احتیاط در عقود و ایقاعات

یکی از عوامل مهم جرائم علیه اموال اعتماد بی‌مورد و نابجاست که غالباً منجر به جرائمی چون کلاهبرداری، خیانت در امانت و امثال آن می‌گردد. آگاهی و اطلاع از وقایع

حقوقی و احتیاط در تدوین و تنظیم قراردادها و اسنادی که منشأ حقوق و تکالیف هستند، موجب جلوگیری از غالب سوء استفاده‌های مالی می‌گردد. خداوند متعال در قرآن کریم، ضمن تأکید بر ضرورت اخذ شهادت شهود در هنگام معاملات غیرنقدی یا گرفتن رهن و یا مکتوب نمودن معاملات، در آیه ۲۸۲ سوره بقره که به آیه دین معروف است، احکامی را بیان می‌فرماید که سراسر پیشگیری از بزه‌دیدگی است. لازم است در اینجا بدون بیان آیه به دلیل طولانی بودن، به توضیح مختصر آن پردازیم:

- این آیه نمونه‌ای از توجه قرآن و به طور کلی سیاست جنایی اسلام به آموزش افراد در معرض بزه‌دیدگی است تا به نوعی از افراد در معرض جرم محافظت به عمل آید.

- مکتوب بودن معاملات و اخذ رسید هنگام تحویل کالا به صورت غیرنقدی به منظور محکم‌کاری و احتیاط، برای جلوگیری از سوء استفاده‌های مالی مجرمانه و غیرمجرمانه است.

- تأکید آیه بر این است که بدهکار باید بنویسد یا املا کند تا اولاً اقرار در حق او محسوب شود و نتواند انکار نماید و ثانیاً اگر دیگران املا کنند ممکن است جعل مفادی صورت گیرد. لذا علاوه بر نوشتن، حضور شهود نیز لازم دانسته شده است.

- برای جلوگیری از سوء استفاده علیه سفیه یا غیررشید و افراد ضعیف، حضور ولی آنها در مسائل مالی شرط دانسته شده است.

- تأکید بر استفاده از شهادت شهود به منظور احتیاط و جلوگیری از وقوع جرم است.

- خداوند در این آیه شریفه برخی تدابیر حمایتی از بزه‌دیده را اتخاذ کرده و آموزشهای لازم را در این خصوص به افراد در معرض بزه داده است. در ذیل آیه نیز ضمن تأکید بر همین مطلب می‌فرماید خداوند داناست و این‌گونه امور را به شما آموزش و تعلیم می‌دهد.

- این نوع رویکرد در امور مالی به منظور احتیاط و پیشگیری از احتمال وقوع بزه می‌تواند در زمینه‌های مختلف به عنوان الگو اتخاذ شود. الزام به ثبت رسمی بخشی از معاملات مانند اموال غیرمنقول و وسایل نقلیه می‌تواند موجب کاهش بسیاری از جرائم علیه اموال باشد.

یکی دیگر از تدابیر پیش‌گیرانه‌ای که در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است، توصیه و تأکید بر اخذ شاهد هنگام وصیت است. این اقدام نیز از بسیاری از جرائم مالی چون کلاهبرداری، جعل وصیت‌نامه به ویژه جعل مفادی در هنگام تنظیم آن و استفاده از سند مجعول جلوگیری می‌کند و به همین منظور مورد توجه واقع شده است (مائده: ۱۰۶).

## و. حمایت و مراقبت از بزهدیدگان خاص

برخی گروههای مستعد آسیب‌پذیری به دلیل موقعیت ضعیف اجتماعی یا جسمی به لحاظ شرایط فیزیولوژیکی از قبیل جنس یا سن، مانند زنان، اطفال، سالخوردگان، محجورین و امثال آنها در معرض بزهدیدگی هستند. آموزش افراد در معرض بزهدیدگی، ایجاد فرهنگ بردباری و صبر و محافظت و مراقبت، در سیاست جنایی اسلام مورد توجه قرار گرفته است و تدابیر در نظر گرفته شده برای حمایت از بزهدیده به عنوان یکی از عوامل مؤثر در فرایند بزهدکاری مطرح می‌شود. اکنون به بیان برخی راهبردهای حمایت از بزهدیدگان در مراحل مختلف وقوع بزهدیدگی از نگاه سیاست جنایی اسلام می‌پردازیم.

### و- ۱. زنان

زنان به لحاظ موقعیت خاص جسمی، روحی، عاطفی و اجتماعی در معرض بزهدیدگی افزون‌تر از جرائم خاصی هستند و احکام مختلفی مانند حجاب به منظور محافظت از زنان در بعد فردی و اجتماعی تشریح شده است.

اگر چه تصور می‌شود زنان بیشتر در معرض بزهدیدگی هستند، اما بدیهی است که در همه انواع جرائم این‌گونه نیست. با وجود این، بزهدیدگی زنان در پاره‌ای از جرائم خاص مانند تجاوزات جنسی و خشونت‌های خانگی، همسرآزاری و امثال آنها به شدت بالاتر از مردان است.

### و- ۱- ۱. حجاب زنان

حجاب زنان اختصاص به اسلام نداشته و در بسیاری از مذاهب، مکاتب و فرهنگها توصیه و الزام به حجاب و پوشش صورت گرفته است. در سطح فردی حجاب زن اولاً باعث امنیت اوست، چنان‌که قرآن کریم نیز بر این امر تأکید ورزیده است و امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ *نهج البلاغه* به صراحت می‌فرماید: «به درستی که شدت حجاب برای حفظ زنان توصیه شده است» (عبده، همان: ۲۳۱).

ثانیاً فقدان حجاب زن، شخصیت او را زایل می‌کند و نگرش شیء‌انگارانه به او را تقویت خواهد کرد. در نتیجه به عنوان ابزاری در اختیار افکار مجرمانه افراد سودجو و

شهوتران مورد سوء استفاده‌های مختلف قرار می‌گیرد. ثالثاً حجاب یک حکم تکلیفی است و آثاری بر آن مترتب است که اساسی‌ترین آن پابندی زن مسلمان به فرمانهای حق تعالی است؛ فرمانهایی که به اقتضای خلقت او و با عنایت به نیازهای او صادر شده است. اما در بُعد اجتماعی و در یک نگاه کلان می‌توان موارد زیر را در خصوص ضرورت حفظ حجاب زن در جامعه تقریر کرد.

۱. حجاب زن باعث تحکیم بنیانهای خانواده می‌گردد.
  ۲. حجاب زن موجبات حاکمیت آرامش بر اجتماع را فراهم می‌سازد و گونه‌ای آرامش اجتماعی را در پی دارد.
  ۳. از آنجا که حجاب زن کامیابیهای مشروع را در پی خواهد آورد، باعث سلامت جامعه و تعمیق گونه‌ای بهداشت روانی و اجتماعی در سطح جامعه و استواری نظام اجتماعی می‌گردد.
  ۴. حجاب زن باعث فراهم آمدن زمینه مؤثر و در عین حال بی‌دغدغه در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و فرهنگی می‌گردد و موجبات استیفای مناسب حقوق زن را فراهم می‌آورد.
  ۵. آزادی بی‌دغدغه زن در عرصه اجتماع را موجب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۵: ۵۷).
- انگیزه برخی از متجاوزین، سرقت زیورآلات قربانیان است. به همین جهت پوشاندن زیورآلات در بیرون از منزل، علاوه بر اینکه یک واجب شرعی است، گامی در جهت افزایش ضریب امنیت زنان می‌باشد. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:
- به زنان مؤمن بگو زینتهایشان را آشکار نکنند، مگر آنچه که به خودی خود آشکار است (نور: ۳۱).

متأسفانه در برخی جوامع و کشورها فرهنگ برهنگی زنان و حضور آنان در صحنه اجتماع با حقوق و تکالیفی مشابه و مساوی مردان، موجب شده خانواده به عنوان کانون اصلی پرورش اجتماعی افراد متلاشی شود و از ایفای نقش اساسی و حیاتی خود یعنی تربیت آینده‌سازان جامعه باز ماند و این امر موجب تشدید معضل بزهکاری در جوامع گردد. این امر علاوه بر آنکه روشن و بر همه کس واضح است، مورد اعتراف جرم‌شناسان غربی نیز قرار گرفته است (پیکا، ۱۳۷۰: ۵۲).

قرآن کریم در آیه دیگری به این موضوع اشاره می‌کند و حجاب را به عنوان یک عامل بازدارنده معرفی می‌کند:

ای پیامبر، به همسران و دختران خود و زنان مؤمنین بگو روسریهای خود را بر سر افکنند. این امر برای شناخته شدن آنان مناسب‌تر است تا مورد آزار و اذیت قرار نگیرند (احزاب: ۵۸).

نکته بسیار مهم و اساسی پیشگیرانه در آیه فوق این است که می‌گوید زنان باید خود را بپوشانند تا شناخته شوند و مورد بزه‌دیدگی و اذیت قرار نگیرند. این بیان، نشانه این است که در جرائم علیه زنان، بزه‌کاران معمولاً آماجهای خاصی را انتخاب می‌کنند، در برابر این آماجها تحریک‌پذیری بیشتری دارند و ارتکاب جرم علیه زنان محجبه و عفیف کمتر اتفاق می‌افتد. لذا توصیه شده زنان حجاب را رعایت کنند تا به عنوان یک زن عفیفه شناخته شوند و مورد آزار و اذیت و بزه‌دیدگی قرار نگیرند.

در آیه دیگری موضوع بزه‌دیدگی زنان مورد توجه واقع شده و از ایجاد زمینه بزه‌کاری بر حذر داشته شده‌اند:

به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگوئید تا افراد بیماردل در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید (احزاب: ۳۲).

منظور از افراد بیماردل کسانی است که با نظر شهوت می‌نگرند و اعمال تحریک‌آمیز ممکن است آنان را به تصمیمات مجرمانه وا دارد.

سیاست جنایی اسلام از طرفی با ترویج ازدواج آسان، اعم از دائم یا موقت، در صدد جهت‌دهی صحیح غریزه جنسی است و از طرفی دیگر با هرج و مرج و آمیختگی بی قید و شرط زن و مرد به سختی مخالف است، زیرا اولین پیامد مسلم آن فروپاشی کانون خانواده و انبوه معضلات و انحرافات اجتماعی است. لذا در این زمینه، افراد در معرض بزه‌دیدگی را از هرگونه رفتار تحریک‌آمیز بر حذر داشته و نسبت به آموزش آنان در جزئی‌ترین موارد حتی در آیات قرآن نیز دریغ ننموده است.

برخی نیز بدحجابی را بر اساس نظریه عرضه و تقاضا مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. این نظریه مجرم و منحرف را شاخص بخش تقاضا و بزه‌دیده را شاخص بخش عرضه قلمداد می‌کند و به نقش بزه‌دیده به عنوان پدیدآورنده جرم توجه می‌کند. سیاست جنایی اسلام از طرفی با ایجاد محدودیت در عرضه به پیشگیری توجه نموده و زنان را به حفظ

حجاب و عدم خودنمایی امر نموده و از طرف دیگر با ایجاد محدودیت تقاضا مردان را به فرو بستن چشمها در مقابل نامحرم و حفظ عفت امر کرده است (صفاری دستگردی، ۱۳۸۲: ۸۹).

## و- ۱- ۲. طلاق

در مباحث جامعه‌شناختی به خصوص پیشگیری اجتماعی، طلاق به عنوان یکی از معضلات اجتماعی و عوامل جرم‌زا مطرح است؛ اما در دانش پیشگیری این امر از زاویه‌ای دیگر نیز مورد بررسی و توجه قرار می‌گیرد. از جمله موارد حمایت از بزه‌دیدگی، پیش‌بینی طلاق برای زنانی است که مورد آزار و اذیت همسران خود قرار می‌گیرند و به نوعی بزه‌دیده واقع می‌شوند. شریعت مقدس اسلام به زن اجازه داده است زمانی که محیط خانه برای او ناامن است و خوف ضرر و زیان جسمی یا حیثیتی برای او وجود دارد، از حاکم بخواهد تا شوهر را مجبور به طلاق نماید (عوده، بی تا: ۱۷۸).

در مورد نفقه نیز اگر توسط شوهر پرداخت نشود و حاکم نتواند او را مجبور به پرداخت آن نماید و موجب عسر و حرج زن گردد، در این صورت نیز قاضی به درخواست زن او را طلاق می‌دهد. البته ترک نفقه در قانون مجازات اسلامی مورد جرم‌انگاری نیز واقع شده و برای آن مجازات در نظر گرفته شده است.

سیاست جنایی اسلام طلاق را به عنوان یک راهکار نهایی پیشگیری از جرم پذیرفته است. زیرا از طرفی بر حفظ کانون خانواده به عنوان عاملی اساسی در حفظ ثبات جامعه و اولین مرکز تربیت اجتماعی انسان تأکید می‌کند و به روشهای مختلف سعی در پایدار نمودن آن دارد و از طرفی دیگر طلاق را به شدت نکوهش می‌کند و از آن به عنوان مبعوض‌ترین فعل مجاز نام می‌برد (کلینی، همان، ۶: ۵۴).

دیدگاه اسلام در این زمینه دفع افسد به فاسد بوده است، و زن نیز در موارد عسر و حرج مجاز به درخواست طلاق است. البته کلیه طلاقها به اختیار مطلق مردان نمی‌باشد، چنان‌که در طلاق خلع و مبارات چنین است. در طلاق خلع در حالی که زن از ادامه زندگی با مرد ناراضی باشد، می‌تواند با بخشیدن کلیه مهریه خود از او جدا گردد و در طلاق مبارات در حالی که هر دوی آنها از ادامه زندگی با یکدیگر ناراضی باشند، زن می‌تواند بخشی از مهریه خود را دریافت کند و بخشی را به شوهر پردازد و از او جدا گردد (بطحایی گلپایگانی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

## و- ۲. اطفال

کودکان و نوجوانان با توجه به وضعیت جسمی و شخصیتی که دارند، در معرض بزه‌دیدگی و سوء استفاده هستند. از آنجا که بزه‌کاران برای کسب موفقیت بیشتر و خطرپذیری کمتر غالباً به دنبال آماج‌های ضعیف‌تر از خود هستند، عدم محافظت از کودکان به ویژه کودکان بی سرپرست موجب می‌شود آنان به اشکال مختلف مورد بزه‌دیدگی قرار گیرند. اموال صغار بی سرپرست زمانی که در اختیار خودشان باشد، در معرض جرائم مختلف است. در سیاست جنایی اسلام حمایت از صغیر تا آنجا اهمیت دارد که فروش مال او را جز با اجازه ولیّ جایز نمی‌داند و حتی ولیّ نیز در صورت عدم رعایت منافع و مصلحت طفل از ولایت ساقط می‌شود (حلی، ۱۴۰۳: ۶۰۹).

خداوند در قرآن کریم در حمایت از اطفالی که ولیّ خود را از دست می‌دهند و برای جلوگیری از هر گونه سوء استفاده مالی یا حیف و میل اموال آنان می‌فرماید:

یتیمان را برای گرفتن اموال خود مورد آزمایش قرار دهید تا به سن بلوغ برسند. اگر در آن سن، رشد آنها را احراز کردید، اموالشان را به ایشان بدهید. زمانی که پرداخت می‌کنید بر این امر شاهد بگیرید و خداوند در محاسبه کردن کفایت می‌کند (نساء: ۶).

دو نکته در این آیه شریفه مورد تأکید واقع شده است: یکی احراز رشد و توان اداره اموال توسط یتیم است تا مورد سوء استفاده مالی واقع نشود و دیگری ضرورت شاهد گرفتن هنگام تسویه حساب و پرداخت اموال یتیم است که از تضييع حقوق او جلوگیری می‌کند و پرداخت کننده نیز در معرض اتهام قرار نمی‌گیرد.

وقتی رفتارهای آسیب‌زا علیه کودکان ترویج یابد، قانونگذار نسبت به جرم‌انگاری این اعمال در خصوص مرتکبان و جهت حمایت از حقوق کودکان و پیشگیری از بزه‌دیدگی آنان اقدام می‌نماید. پس از جرم‌انگاشتن رفتارهای آسیب‌زا علیه کودکان که در تکوین بزه‌دیدگی اثر مستقیم دارد، گام بعدی تشدید مجازات مرتکبان یا همان تشدید کیفر جهت حمایت از کودکان است. بنابراین واکنش جامعه نسبت به افرادی که مرتکب چنین رفتاری می‌شوند، باید بسیار شدید باشد تا از این طریق مهار این‌گونه رفتارها صورت گیرد (عباچی: ۸۰).

## ز. نتیجه گیری

از دیدگاه سیاست جنایی اسلام، توجه به بزه‌دیده در یک فرایند مجرمانه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. رسیدن به این هدف و آرمان، که امنیت در جامعه حاکم باشد و خوف بزه‌دیده شدن از سطح جامعه محو گردد، بدون توجه ویژه به بزه‌دیدگی و فرایند تحقق آن امکان‌پذیر نخواهد بود. برای رسیدن به این آرمان و چشم‌انداز، پیشنهاد این است که نخست اجازه ندهیم فرهنگ غنی و ارزشمند اسلامی در جامعه کم‌رنگ شود و جای خود را به فرهنگ بی‌ارزش لائیک و غیردینی بدهد؛ زیرا ارزشهای اسلامی حاکم بر جامعه، مانند فرهنگ برادری، همدلی، مهرورزی نسبت به یکدیگر، توجه و احترام به همسایه، مسئولیت در قبال سعادت یا شقاوت دیگر انسانها و هزاران آموزه ارزشمند دیگر، باعث می‌شود شالوده اجتماع بر مبنایی صحیح واقع گردد و راهبردهای سیاست جنایی ثمر دهد و در نتیجه بزهکاری و بزه‌دیدگی به حداقل برسد.

دوم اینکه زمینه‌های بزه‌دیدگی از بین برود، چنان‌که نمونه‌های آن در سیاست جنایی اسلام به خصوص در مورد بزه‌دیدگان خاص ذکر گردید. تغییر این زمینه‌ها از کنترل بزهکاران به صورت فیزیکی، الکترونیکی یا پلیسی تا تغییر در شرایط محیط فیزیکی مانند نحوه طراحی خیابانها و ساختمانهای شهری و به طور کلی هر نوع تغییر در محیط فیزیکی به منظور کاهش بزه‌دیدگی را شامل می‌شود. البته محافظت از آماجها، ایمن کردن اموال و آگاهی دادن و محافظت از افراد در معرض بزه نیز از جمله مهم‌ترین اقداماتی است که در این زمینه امکان تحقق دارد. این امر باعث کاهش انگیزه، وسوسه و یا توان مجرمان در تحقق اهداف مجرمانه می‌شود.

سوم اینکه با اتخاذ یک سیاست کیفری منسجم، منطقی و سنجیده که بزه‌دیده را به عنوان یک عنصر انسانی مهم در فرایند وقوع جرم لحاظ می‌کند، در صدد کاهش آمار بزه‌دیدگی باشیم. نحوه تنظیم قوانین کیفری به ویژه در تعیین جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت و یا مقررات شکلی دادرسی می‌تواند در احقاق حقوق بزه‌دیدگان به نحو مطلوبی تأثیرگذار باشد و از بزه‌دیدگی مجدد آنان نیز جلوگیری کند. در نتیجه امروزه تدوین یک سیاست جنایی کارآمد بدون توجه خاص به بزه‌دیده ممکن نیست و این مهم در آموزه‌های سیاست جنایی اسلام مورد عنایت ویژه است.



## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چاپخانه امیرالمومنین، ۱۳۷۸ش.
۲. نهج البلاغه، تحقیق شیخ محمد عبده، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۹۸ق.
۳. آشوری، محمد، عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی، عدالت کیفری، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۷ش.
۴. احمدی، ذکرالله، نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، ۱۳۸۱ش.
۵. انصاری، شیخ مرتضی، التقیة، انتشارات مؤسسه قائم آل محمد، ۱۴۱۲ق.
۶. بطحایی گلپایگانی، سید هاشم، فمینیسم از نظر اسلام و دیگر ملل، انتشارات نوید اسلام، تهران، ۱۳۸۳ش.
۷. پیکا، زرژ، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۰ش.
۸. جمعی عاملی، زین الدین، (شهید ثانی)، الروضة البهیة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۹. جمعی عاملی، زین الدین، (شهید ثانی)، مسالک الافهام، قم، چاپ بصیرتی، بی تا.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶ و ۲۹.
۱۱. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی)، شرائع الاسلام، بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۲.
۱۲. خاکپور، محمد مهدی، جرم‌شناسی زنان، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۵۴ش.
۱۳. خامنه‌ای، سید محمد، حقوق زن، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۱۴. خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهة، انتشارات غدیر، چاپ سوم، ۱۳۷۱ش.
۱۵. شیخ الاسلامی، سید حسین، گفتار امیرالمومنین علی علیه السلام، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۷ش.

۱۶. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق، ج ۴.
۱۷. صفاری دستگردی، مهدی، «بدحجابی در نگرش جامعه‌شناختی»، فصلنامه کتاب *زنان*، شماره ۲۲، ۱۳۸۲ش.
۱۸. طبرسی، امین‌الدین ابوعلی، *تفسیر جوامع الجامع*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷ش.
۱۹. عباچی، مریم، «پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۷.
۲۰. عوده، عبدالقادر، *التشريع الجنایی الاسلامی*، بیروت، دارالکتاب العربی، بی‌تا، ج ۱.
۲۱. فیض کاشانی، محسن، *التحفة السنیة*، نسخه خطی، انتشارات کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۴۰۱ق.
۲۲. کاشف‌الغطاء، شیخ جعفر، *کشف‌الغطاء*، چاپ سنگی، اصفهان، انتشارات مهدوی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش، ج ۵ و ۶.
۲۴. نوری، میرزاحسین، *مستدرک‌الوسائل*، انتشارات آل‌البیت، قم، ۱۴۰۷ق.
۲۵. یارمحمدیان، محمد، «بزه‌دیدگان اعتیاد»، *مجموعه مقالات بزه‌دیدگان*، اصفهان، انتشارات نقش مانا، ۱۳۸۲ش.

28. Abdel Fattah, Ezzat, *Understanding primal victimization*, prentice-Hall, 1991.